

حوادث

میترا چطور کشته شد

پس از تنفس دادگاه، سرگرد عزتی‌راد، کارشناس بخش فیزیک جنبایی و اسلحه در جایگاه قرار گرفت، همچنین از نجفی خواسته شد از میان سه سلاح روی میز، سلاح خودش را شناسایی کند که او با دیدن سلاح برتا، آن را برداشت.

در ادامه کارشناس اسلحه در تشریح بررسی اسلحه و مرمی‌های کشف شده در صحنه قتل گفت: سلاحی که برای ما آوردند سلاح برتا با پنج پوکه جنبایی و یک گلوله جنبایی که از بدن مقتوله خارج شده است، بود و آزمایش زمان تیراندازی مثبت بود و پنج پوکه جنبایی از داخل حمام کشف شد.

از پنج گلوله سه گلوله به دیوار چهرمی به داخل کمد در قسمت ورودی و پنجمی به مقتوله اصابت کرده است، یک گلوله تقریبا به کف دست خورده و به سینه اصابت کرده است. کارشناس اسلحه ادامه داد: گلوله‌های روی دیوار هر سه به هم نزدیک بود. آقای نجفی شما در تیراندازی تعادل نداشتید، او دست شما را گرفته بود، اما یک دست او و شما آزاد بود.

قاضی خطاب به نجفی گفت: شما گفتید موقع ورود به حمام از بالش استفاده کردید تا او اسلحه را نیندید با چه انگیزه‌ای از بالشت استفاده کردید؟

نجفی: فکر قبلی نداشتم همین‌طور بالش را برداشتم که در بدو ورود او با اسلحه روبرو نشود، گلوله از بالش عبور کرد، بعد بالش از دستم افتاد، فقط می‌خواستم بالش را جلوی اسلحه بگیرم.



❗ قاضی کشکولی گفت: در موقع مشاهده جسد توسط دختر و راننده شما، حوله سفیدی روی او بوده است، توضیح دهید؟

نجفی پاسخ داد: حوله را من انداختم.

❗ رئیس دادگاه: چرابه حمام رفتید؟

نجفی: می‌خواستم او طلاق را قبول کند.

❗ رئیس دادگاه: محل طلاق دفترخانه است نه وان حمام. پرونده بالینی بیمارستانی مبنی بر خودکشی شما وجود دارد، توضیح دهید؟

نجفی: در آبان سال ۹۷ به دلیل اختلاف با مرحومه، با خودکشی خودم را تنبیه کردم و در صحبت با دوستانم و تحقیق در این باره متوجه مسائل شرعی آن شدم و به همین دلیل دوباره خودکشی نکردم، در یکی از هم‌های تهران تعدادی قرص خوردم و می‌خواستم رگ دستم را بزنم، اما دیگری هوش رشید.

❗ رئیس دادگاه: درباره بریدگی روی دست همسرتان توضیح دهید.

نجفی: همسر دوم در زندگی قبلی اش سه بار خودکشی کرده بود.

حاشیه‌های دادگاه

❗ نجفی در جریان دفاعیات فقط یک بار از نام میترا استفاده کرد و هنگام اشاره به مقتول از کلمه مرحومه استفاده می‌کرد.

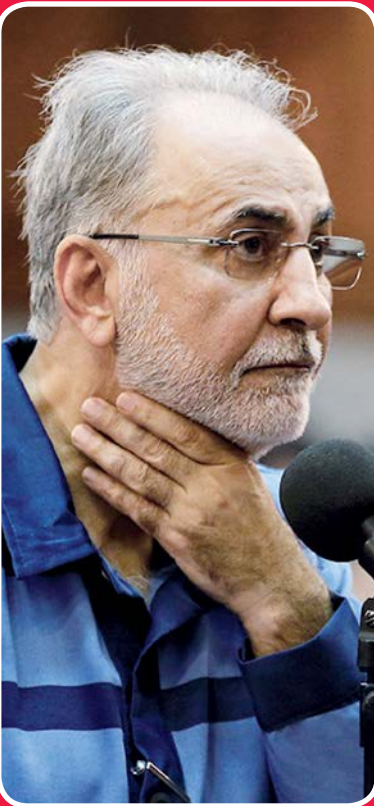
❗ هنگامی که سلاح برای بررسی در اختیار نجفی قرار گرفت، قاضی به شوخی به او گفت: مراقب باش به سمت ماشین‌لیک نکنی.

❗ نماینده دادستان در پاسخ به ادعاهای وکیل متهم گفت: آنچه مهم است این‌که آقای نجفی خودشان با صداقت اتهام خود را قبول دارد. او می‌گوید یک سلاح بود و خودم در صحنه بودم، اما وکیل القاتل دیگری می‌کند و سوار بر موج‌هایی می‌شود که برخی افراد در فضای مجازی راه انداخته‌اند که نکند فرد دیگری هم باشد.

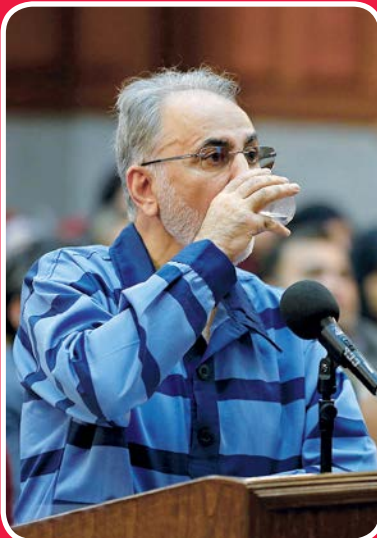
❗ وکیل متهم به گزارش پزشکی درباره ورود گلوله به بدن مقتول اشاره کرد که رئیس دادگاه در پایان گفت اگر نیاز باشد این پزشک

راهم به دادگاه دعوت می‌کنیم.

❗ نجفی در جلسه محاکمه مدعی شد: در طول عمرم با هیچ خانمی برخورد فیزیکی نداشتم و این اتفاق مرا متاثر و افسرده می‌کرد. متهم به قتل در دفاعیاتش از شهید چمران هم نام برد و گفت: من با اسلحه آشنایی داشتم، زمانی که با شهید چمران در ارتباط بودم و قصد رفتن به لبنان را داشتم در کلاس‌هایی در این خصوص شرکت می‌کردم.



عکس‌ها: میزبان



جزئیات ۱۲۰ دقیقه دفاعیات نجفی در دومین دادگاه قتل میترا استاد

قتل عمد را قبول ندارم



محمد غمخور

حوادث

با انکار اتهام قتل عمد، درخواست قصاص از سوی پسر میترا استاد و ادعای عجیب وکیل متهم درباره ابهامات صحنه قتل، مهم‌ترین اتفاقات دومین جلسه رسیدگی به پرونده محمدعلی نجفی بود که دیروز به مدت ۲۱۰ دقیقه در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. در این جلسه شهردار پیشین تهران مدعی شد، قصد کشتن همسرش را نداشته و قتل به صورت غیر عمد بوده است. در این جلسه کارشناس اسلحه پلیس آگاهی نیز به ابهامات وکلای متهم درباره نحوه شلیک و تعداد محل اصابت گلوله در حمام پاسخ داد. این جلسه بدون حضور علیرضا طباطبایی، یکی از وکلای نجفی برگزار شد که به گفته رئیس دادگاه، متهم عصر سه‌شنبه او را عزل کرده بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، در حالی که قرار بود ساعت ۹ صبح جلسه دادگاه شروع شود، ساعت ۹ و ۳۵ دقیقه با حضور هیات قضایی و متهم در سالن اجتماعات دادگاه کیفری یک استان تهران، دومین جلسه رسیدگی به پرونده قتل میترا استاد آغاز شد.

قاضی محمدی کشکولی ابتدای جلسه محاکمه گفت: جلسه دادگاه با مجوز ریاست قوه قضاییه به موجب مقررات قانون آیین دادرسی کیفری، علنی است. در این جلسه در صورت ضرورت فیلم آخرین خروج نجفی از محل قتل که توسط دوربین‌های مدار بسته ساختمان ضبط شده است، بخش خواهد شد. رئیس دادگاه سپس از وکلای اولیای دم خواست اگر مطلبی در جهت رسیدگی به پرونده دارند بیان کنند.

حاجی‌لویی‌احدی، یکی از وکلای اولیای دم، پس از قرار گرفتن در جایگاه گفت: در جلسه قبل مواردی در این پرونده به‌عنوان حواشی اتفاق افتاده بود که شما دستور دادید عنوان نشود، اما عنوان مهدورالدم بودن تیترو روزنامه‌ها شد و به آبروی اولیای دم خدشه وارد شد.

وی ادامه داد: من و همکارم بعد از مطالعه پرونده، دفاعیات ناجوانمردانه متهم حاضر را مطالعه کردیم که این دفاعیات متعارض بود و لاجرم در کیفرخواست خوانده شد. اعترافات متهم به این شرح بود که مرحومه ابتدا وارد زندگی ما شد و من اشتباه کردم با او ازدواج کردم، در صورتی که او در دفتر مهرشهر کرج چه

پس از شکایت پسر مقتول، نوبت به دفاعیات محمدعلی نجفی رسید. دفاعیاتش حدود دو ساعت به طول انجامید. در ابتدا قاضی کشکولی گفت: اتهام منتسب به شما اعم است از ۱. مباشرت در قتل عمدی مرحومه میترا نگهداری سلاح و مهمات مربوطه پس از انقضای مهلت حمل سلاح و ایراد جراحت عمدی، ۲. آیا اتهامات انتسابی را قبول دارید؟

در حالی که با توجه به صحبت‌های نجفی در دادسرا به نظر می‌رسید او اتهاماتش را قبول کند، با رد اتهام قتل عمدی گفت: مواردی از آنچه گفتید را قبول دارم؛ اما اتهام قتل عمد را نمی‌پذیرم. آنچه در کیفرخواست قرائت شد بخشی نادرست و بخشی غیردقیق بود. امروز از رئیس دادگاه تشکر می‌کنم که براساس قانون به وکیل اولیای دم تذکر داد، وکیل حق ندارد توهین کند یا از الفاظ ناجوانمردانه استفاده کند یا به دوران وزارت من در آموزش و پرورش طعنه بزند.

وی به کیفرخواست هم اشاره کرد و گفت: در صدر نامه شش صفحه‌ای نوشته بودم دوست ندارم مطالب آن عمومی شود اما در عجبم که چقدر در دادگاه خوانده شد.

❗ مقصدانم با عجله انجام شد

محمدعلی نجفی سپس به ازدواجش با میترا استاد اشاره کرد و گفت: هشتم تیرماه ۹۷ ما با هم ازدواج دائمی داشتیم و قبل از آن به مدت هفت ماه عقد موقت بودیم و رابطه داشتیم و در دوران عقد موقت به دلیل مشغله کاری که من داشتم فرصت گفت‌وگو نداشتم و خیلی از مسائل اجمالی و عقد دائم با عجله اتفاق افتاد.

من به دو دلیل راضی به عقد دائم نبودم، اولاً فرصت بیشتری برای شناخت هم داشتم باشیم و دیگر این‌که از نظر مبنای اعتقادی و فرهنگی با هم فاصله داشتم. همچنین من قرار عمل جراحی در تاریخ ۱۰ یا ۱۲ اردیبهشت داشتم و پزشک معالجم به من گفته بود تا یک ماه بعد از عمل نمی‌توانم فعالیت داشته باشم و باید تحت مراقبت قرار بگیرم، اما مرحومه این را نپذیرفت و عجله من به این دلیل بود. حدود شش ماه قبل به این نتیجه رسیدیم که زندگی مشترک ما با توجه به عمق اختلافات به جایی نمی‌رسد و پیشنهاد طلاق توافقی دادم اما مرحومه نپذیرفت و یکی از دلایل او عشقش به من بود. البته من هم او را دوست داشتم، اما فکر کردم با این حجم اختلافات ادامه بدهیم عشق ما به نفرت تبدیل می‌شود.

وکیل اولیای دم اشاره کردند که حق طلاق داشته‌ام و می‌توانستم طلاق دهم، اما باید در جواب به قول و قرارم در روز عقد اشاره کنم. مرحومه حق طلاق خواسته بود که من مخالفت کردم، اما به او قول دادم در صورت توافق دو طرفه، جدا خواهیم شد. اگر هم او قصد طلاق داشت من مخالفت نکنم. به خاطر این دو قول برای طلاق اقدام نکردم. این بحث‌ها ادامه داشت و من برای طلاق از ریش سفیدان هم کمک گرفتم تا این‌که یک ماه قبل از قتل، مرحومه به من گفت که حق نداری درباره طلاق با من یا اعضای خانواده‌ام صحبت کنی. یک هفته قبل از قتل به خانه جدید اسباب‌کشی کردیم. روز اسباب‌کشی دوباره سر موضوعی بحث کردیم، برادرو خواهرش نیز حضور داشتند. برای این‌که دعوا، کنش پیدا نکند، من همراه خواهر و

ادعای عجیب وکیل نجفی

حمیدرضا گودرزی، وکیل نجفی دیروز در دفاع از موکلش گفت: همه چیز از زمانی شروع شد که زنی برای کاندیدای شورای شهر به موکلم مراجعه کرد و بعد از آن موکلم او را عقد کرد، اما اخلاق این خانم زندگی موکلم را در تنگنا قرار داده بود. خانم استاد گرفتار ذهنی متوهم بود و توهم از او دست بر نمی‌داشت.



برادرش به خانه جدید رفتیم.

نجفی در تشریح دعوی آخر و قتل میترا استاد هم گفت: شب قبل از حادثه، برادرش شام خانه ما دعوت بود که متوجه سردی رابطه ما شد. بعد از رفتن برادرش، مرحومه دوباره دعوا را شروع کرد. گاهی دعوی ما به برخورد فیزیکی کشیده می‌شد. من برای این‌که دعوا تمام شود، به بهانه خواب به اتاق رفتم که مرحومه به آنجا آمد و تا ساعت ۳ نگذاشتم من بخوابم. صبح روز بعد ساعت ۸ بیدار شدم و ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه مهیار را بیدار کردم تا به جلسه امتحان برود. حدود ساعت ۹ مرحومه بیدار شد و دوباره دعوی دیشب را شروع کرد. ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه به حمام رفت و گفت، بعد از حمام بیرون می‌روم، پرسیدم کجا می‌روی، گفت خودم می‌دانم. بیرون رفتن بدون اطلاع موضوعی بود که در مورد آن صحبت کردیم. از آن لحظه به بعد بسیار عصبانی شدم. همه ماجرا دو الی سه دقیقه طول کشید و از عصبانیت و خشم نفهمیدم چه شد. یک دقیقه بعد پشت سرش رفتم، از در حمام تا وان فاصله یک متر است. فکر می‌کردم داخل وان باشد. خواستم با او صحبت کنم تا موضوع طلاق را تمام کنیم. در کمد اتاق خواب نیمه باز بود، اسلحه آنجا قرار داشت. آن را با عصبانیت برداشتم و پشت سر او وارد شدم. نمی‌دانم چرا هنوز وارد وان نشده بود، وقتی وارد حمام شدم تقریبا سینه به سینه شدیم

و بالش را کنار زدم که بگویم کار ما به جاهای باریک می‌کشد اگر به صورت مسالمت‌آمیز به پایان نرسانیم. با دیدن اسلحه هول شد و دو دستش را روی شانه‌های من گذاشت. به عقب رفتم دستم روی ماشه بود، یک گلوله شلیک شد. بالش به زمین افتاد. بعد از آن ابتکار عمل از دستم خارج شد. نوبت اسلحه را بالا بردم تا به سمت او نباشد و به او آسیب نرسد. او دو دستی دست راستم را گرفت، گفتم ول کن و چهار تیر شلیک شد. اما من قصد شلیک نداشتم تا این‌که آخرین تیر به او اصابت کرد. چند بار قصد کردم با همان اسلحه خودم را بکشم. کنار او در وان نشستم ، بعد به راننده‌ام زنگ زدم، دو کیف با اسناد خصوصی و موبایل و مدارک پزشکی و کپی قبایله ازدواج در آن بود. نمی‌دانستم چه اتفاقی برایم می‌افتد. به راننده‌ام گفتم این‌ها را به دخترم بده. به نظرم رسید از داستان زندگی مشترکم با مرحومه نامه‌ای بنویسم. در دفاعیاتم عنوان مهدورالدم را اصلا مطرح نکردم، در بازجویی هم نگفتم، حتی بازپرس بارها می‌خواست آن را در دهان من بگذارد، اما من نگفتم. آن نامه را نوشتم داخل کیف گذاشتم و به راننده دادم. بعد از آن به زیارت حضرت معصومه (س) در قم و قبور پدر و مادرم رفتم تا آنجا تصمیم بگیرم که چه اقدامی انجام بدهم. اسلحه را با خودم بردم. فکر می‌کردم شاید در محل مزار پدرم خودکشی کنم. بعد از زیارت به تهران آمدم و خودم را معرفی کردم. یکی

دو ساعت قبل از پوشیدن لباس بازداشتی‌ها با ریاست آگاهی صحبت کردم که آن عکس منتشر شده بود.

❗ تحویل اسلحه در زمان ترورهای منافقین

نجفی درباره نگهداری اسلحه هم گفت: درباره اسلحه باید بگویم در سال ۶۰ که ترور خیابانی توسط گروه‌های منافقین و فرقان و... انجام می‌شد در زمان مرحوم شهید رجایی من وزیر فرهنگ و آموزش عالی شدم. آن زمان در شورای عالی امنیت تصمیم‌گیری شد مسؤولانی که در معرض ترور هستند، سلاح داشته باشند و به من هم دادند. چند بار سر تیم حفاظتم مجوز اسلحه را تمدید کرد و فکر می‌کردم مجوز حمل اسلحه مثل گواهینامه ۱۰ ساله است. اسلحه را در خانه مخفی کرده بودم. حتی مرحومه چند بار خواست کار با اسلحه را به او یاد بدهم که قبول نکردم. در کیفرخواست از خودکشی دونفره صحبت شده که این موضوع یک شوخی بود. من به مرحومه گفتم تو مرا بکش اگر دلت آمد خودت را هم بدهش بکشم.

این متهم در ادامه قدرانی از ریاست دادگاه گفت: امیدوارم توضیحاتی که دادم در خصوص ابهاماتی که در این حادثه وجود داشته، بکاهد و من توضیح دادم که این ازدواج متأسفانه با دقت و حوصله کافی انجام نشده بود، البته.

متهم نجفی با بیان این‌که برگشت روزگار سهل است، یارب نظر تو برنگردد، گفت: نمی‌خواهم تقصیر را گردن آن مرحومه بیندازم، چرا که من سنم بیشتر بود. امیدوارم خداوند از گناهان هر دوی ما درگذرد، چرا که این مصیبت‌ها در زندگی هر کس ممکن است پیش آید و توصیه من به خودم و خانواده آن مرحومه این است که **تَیْسِرُ الْقَیَّارِینَ الَّذِینَ إِذَا ذُاٰنَبْتَهُمْ مُّصِیْبَةً قَالُواْ إِنَّا لَنُؤْذِیْا لَیِّهٍ رَّجُوعُونَ**

نجفی همچنین درباره اعترافات اولیه خود نیز گفت: روز اول و دوم من خیلی به خود تسلط نداشتم و مرتب با خود کلنجار می‌رفتم که چه شده، همان روز که خود را به اداره آگاهی معرفی کردم از من خواستند با صداوسیما مصاحبه کنم که مخالف بودم. گفتند شایعه شده به خارج از کشور فرار کرده‌ام و من واقعا با آن نیت صحبت کردم. آنچه گفتم و می‌گویم برای تیرزه خودم نیست و البته گفت‌ام که دوست دارم قصاص شوم تا این احساس بد وجدانی و گناه در معضر خداوند بخشیده شود.

قاضی کشکولی در ادامه با اشاره به گزارش پلیس ۱۱۰ اظهار کرد: در تاریخ ۹۷/۱۰/۱۶ براساس گزارش پلیس ۱۱۰ فردی با هویت محمدعلی نجفی مراجعه و اظهار داشته فردی به هویت میترا استاد که مدت یک سال است همسر بنده است به او اعتماد ندارم و از او شاکي هستم. مفاد این گزارش چیست؟

متهم نجفی در پاسخ گفت: طی درگیری‌های میان من و مرحومه دو بار اوزرانس را خبر کردم چرا که در درگیری‌ها به صورت خیلی سطحی دست خود را با تیغ پریده بود و اوزرانس آمد و در تلفن گفته بودند که خودزنی است که اوزرانس در ادامه پلیس ۱۱۰ را خبر کرده بود. در این بخش دادگاه، با دستور قاضی کشکولی فیلم نجفی در روز قتل در آسانسور بخش شده که متهم به قتل درباره آن گفت: من وارد پارکینگ شدم و چون از پارکینگ دری به خیابان ایران زمین داشت از در پارکینگ بیرون رفتم. در این هنگام رئیس دادگاه دو دقیقه تنفس اعلام کرد.

وی افزود: از جمله نقایص این پرونده شماره و نام اسلحه است که در جاهایی متفاوت بیان شده است همچنین در صحنه جنایت پنج پوکه است، اما تیم بررسی صحنه جرم به جای ۹ گلوله اشاره می‌کند. وی ادامه داد: احتمال دارد سلاح دیگری وجود داشته باشد ما می‌گوییم احتمال وجود یک ضارب دیگر است، چون محل ضرب ۹ گلوله

هست، این نقایص اگر رفع شود مواردی هم روشن خواهد شد. در صحنه تعدادی دگمه از پیراهن مردانه کنده شده و جود دارد در حالی که موکل می‌گوید من تیشرت بدون دگمه بر تن داشتم. در این هنگام رئیس دادگاه ختم این جلسه را اعلام کرد و قرار شد سومین جلسه محاکمه روز دوشنبه ۳۱ تیر برگزار شود.